ZENDEGI-SALAM
ضمیمه روزنامه خراسان
دو شنبه • ۲۰ اردیبهشت ۱۴۰۰
۲۷ رمضان ۱۴۴۲ • ۱۰ می ۲۰۲۱
شماره ۲۰۶۵۶
۱۸۷۶

زندگی سلام

علایم وجود لخته خون خطرناک در بدن ۲
پدیده واکسن هراسی سالمندان ۳
سرگرم‌کردن کودکان منهای گوشی در سال ۲۰۲۱ ۳
چند راهکار برای موفقیت در آزمون های آنلاین ۴

هالک ایرانی و کلکسیون ماشین‌های ماکتش

با «امیرحسین اصلانیان»، ستاره سابق پرسپولیس درباره کلکسیون ماشین‌های اسباب‌بازی چند ده میلیونی‌اش، تصادف هولناکش، پشتک‌واروهای بعد از گلش و... گفت‌وگو کردیم

الهه توانا | روزنامه‌نگار

پرونده

فوتبالی‌ها «امیرحسین اصلانیان» را با پشتک‌واروهای بعد از گل‌زدن‌هایش به‌خاطر می‌آورند. مهاجم قدرتمند پرسپولیس، حالا سال‌هاست از فوتبال فاصله گرفته و فعالیت حرفه‌ای‌اش به مصاحبه‌های رسانه‌ای به‌عنوان کارشناس محدود می‌شود اما خاطره دوران بازیکنی‌اش آن‌قدر پررنگ و حرکات نمایشی‌اش آن‌قدر جذاب بوده که طرفدارانش، «هالک قدرتمند» را به این‌زودی فراموش نمی‌کنند. شایان ذکر است علاوه بر اصلانیان، سجاد غریبی هم به هالک ایرانی معروف است و عکس‌هایش در فضای مجازی وجود دارد. اصلانیان از معدود بازیکن‌هایی است که غیر فوتبالی‌ها هم می‌شناسندش؛ به‌ویژه عشق ماشین‌ها. آقای هالک بعد از تصادفش در دهه‌هشتاد، حدود دو سال به اجبار فوتبال را کنار گذاشت. بعد از بازگشتش به زمین چمن، برای مدت چهار سال پا به توپ ماند و در سال‌های بعد تا امروز بیشتر زمانش را صرف تکمیل و نگهداری کلکسیونش کرد؛ کلکسیونی از ماکت ماشین که خیلی برایش عزیز است و اصلا خوشش نمی‌آید کسی آن‌ها را «اسباب‌بازی» صدا کند. من این کار را کردم و با لحن جدی و محکم جواب شنیدم «این‌ها اسباب‌بازی نیستند». خب اگر دوست دارید بدانید «این‌ها» دقیقا چه هستند و سلطان پشتک‌واروچه سروسری با آن‌ها دارد، ادامه مطلب را بخوانید.

چند تا ماشین اسباب‌بازی دارید؟

این‌ها اسباب‌بازی نیستند. زیرشان نوشته شده است: this is not a toy!

پس چی هستند؟

بهشان می‌گویند ماکت‌های کلکسیونی. تعدادی شرکت در دنیا از روی تولیدات شرکت‌های خودروسازی بزرگ، نمونه ماشین‌های کوچکی می‌سازند. این نمونه‌ها که دقیقا با همان ساختار و متریال ماشین‌های واقعی اما در تعداد خیلی محدود ساخته می‌شوند، اول از همه می‌روند روی میز مدیرعامل کمپانی‌هایی مثل مرسدس، بی‌ام‌دبلیو و فولکس‌واگن. بعد از آن برای فروش عمومی، عرضه می‌شوند و مخاطب‌شان هم بچه‌ها نیستند. حتی قید شده که افراد زیر ۱۵ سال نباید به این نمونه‌ها دست بزنند چون خیلی ظریف ساخته شده‌اند و کوچک‌ترین تماس غیر اصولی، بهشان آسیب می‌زند و ارزش‌شان از بین می‌رود.

مجموعه شما تا حالا آسیب دیده؟

گردگیری کردن این ماکت‌ها کار سختی است. اگر دستمال به قسمتی از ماشین گیر کند، فوری می‌شکند. من هم اوایل که حرفه‌ای نبودم، به خودم زیاد خسارت زدم. شاید بالای ۵۰ تا از ماشین‌هایم آسیب دید تا یواش‌یواش یاد گرفتم چطور باید بهشان نزدیک شوم. مراقبت کلکسیونی با آزمون و خطا آموخته می‌شود. یک سری مقاله در این زمینه می‌خواندم و به نکته جالبی برخوردم که می‌گفت هیچ کلکسیونری در دنیا پیدا نمی‌شود که به خودروی ماکتش آسیب نزده باشد.

درست است اما بالاخره تعدادشان را نگفتید.

حول‌وحوش صد، صد و پنجاه نمونه درویترین چیده‌ام و تعدادی هم در جعبه هستند. چون نمی‌شود همه خانه را ویترین کرد.

این ماشین‌ها از کجا آمده‌اند؟

از سال ۷۹ در کنار فوتبال، به واردات ماکت‌های کلکسیونی روی آوردم و تا وقتی که دلار از ۳ هزار تومان بالا نزده بود، مشغولش بودم. بعد از آن ادامه دادن کار با توجه به قیمت دلار ممکن نبود. طی آن مدت، هر از گاهی در بارهایی که به دست‌مان می‌رسید، به نمونه‌های خیلی خوبی برمی‌خوردم که برای خودم برشان می‌داشتم.

مشتری‌های ماکت‌های کلکسیونی از چه قشری هستند؟

از لحاظ سنی بیشترشان بین ۴۰ تا ۶۰ ساله هستند. چون قیمت این ماشین‌ها آن‌قدر بالاست که مثلا یک جوان نوزده، بیست ساله باید برای خریدشان کلی پول جمع کند و در نهایت هم بتواند یکی، دو نمونه تهیه کند. الان با این قیمت دلار که غیرممکن شده است. کلکسیونرها دیگر قدرت خرید ندارند و به برندهای ضعیف با کیفیت پایین روی آورده‌اند. در واقع صرفا از روی علاقه خرید می‌کنند و گرنه کار برندهای سطح پایین، ارزش کلکسیونی ندارد.

مگر حدود قیمت‌شان چقدر است؟

به کارخانه تولیدکننده بستگی دارد و به دلیل نوسان دلار هم قیمت دقیقی نمی‌توانم بگویم. در مجموعه خودم، قیمت پایه هر نمونه بین ۳۰۰ تا هزار دلار است. سال ۷۹ با دلار ۸۰۰ تومانی یک مدل بی‌ام‌و را ۷۰ هزار تومان خریدم. الان همان مدل در سایت‌های معتبر بین ۸۰۰ تا هزار دلار قیمت می‌خورد.

در مجموعه من، قیمت پایه ماکت هر ماشین بین ۳۰۰ تا هزار دلار است. سال ۷۹ با دلار ۸۰۰ تومان یک مدل بی‌ام‌و را ۷۰ هزار تومان خریدم. الان همان مدل در سایت‌های معتبر بین ۸۰۰ تا هزار دلار قیمت می‌خورد.

بهترین تولیدکننده‌های ماکت‌ها در کدام کشورها هستند؟

در دنیا حدود ۱۰ تا برند قوی هست، مثل AUTOart، BBR، CMC و Auot art که بیشترشان تحت لیسانس کشورهایی مثل آلمان، آمریکا و ژاپن، در چین تولید می‌شوند؛ البته با متریال خوب. غالب کشورهای مهم در صنعت خودرو به شرکت‌های تولیدکننده ماکت، نمونه سفارش می‌دهند و رویه معمولی در این صنعت به‌شمار می‌رود.

نگهداری کردن از ماکت‌ها هم هزینه زیادی دارد؟

نه زیاد. اوایل از ویترین شیشه‌ای استفاده می‌کردم که گردوخاک از درزهایش نفوذ می‌کرد. بعد اویترین‌هایی از جنس پلستی گلس (نوعی پلاستیک فشرده) سفارش دادم و حالا دیگر هزینه‌ای برایم ندارد. فقط هر سه، چهار سال یک‌بار ماشین‌ها را بیرون می‌آورم و تمیزشان می‌کنم. بعضی از دوستان کلکسیونرم اصلا ماشین‌ها را از جعبه درنمی‌آورند. جعبه ماکت‌ها، یونولیتی است که از پایین با چهار تا پیچ بسته می‌شود و هیچ منفذی ندارد بنابراین ماشین‌ها گردوخاک نمی‌گیرند ولی چه فایده؟ باید پیش چشمت باشند تا از تماشای‌شان لذت ببری.

علاقه‌تان به ماشین‌ها از کجا مایه می‌گیرد؟

دهه ۵۰ که ما بچه بودیم، اسباب‌بازی‌ها بیشتر خارجی بودند و قیمت زیادی هم نداشتند. من در خانواده پدری و مادری، اولین نوه بودم و همیشه دوروبرم پر بود از این ماشین‌ها که برایم هدیه می‌آوردند و همه‌شان را هم خراب کردم. بزرگ‌تر که شدم، کم‌کم فهمیدم نباید بهشان آسیب برسانم.

هیچ کدام از ماشین‌های بچگی‌تان را ندارید؟

نه، متأسفانه. پنج، شش ساله که بودم یکی از آشناها یک ماکت بنز ۱۹۰ بهم هدیه داد. آن موقع پلیس آگاهی تازه بنز ۱۹۰ وارد کرده بود و این آشنای ما هم در گروه وارد کنندگانش بود. در عالم بچگی، آن ماشین را مثل بقیه ماشین‌هایم خراب کردم ولی بعدها فهمیدم چقدر ارزنده بوده است. در بزرگ‌سالی توانستم یکی مثلش را دقیقا با همان رنگ و البته با قیمت خیلی زیاد بخرم. پشت هر کدام از این ماشین‌ها قصه‌ای شبیه به این خوابیده است. مثلا پدرم اوایل از دواجش یک ماشین کامارو خریده بود که در جاده چالوس به‌دلیل نشت بنزین آتش گرفت و همان‌جا از بین رفت. حالا ماکت کامارو توی ویترینم است که یادآور خاطره آن ماشین و جانِ سالم به در بردن ما از آن اتفاق است.

تا حالا پیش آمده دیگران که ارزش ریالی و معنوی این ماشین‌ها را نمی‌دانند، صدمه‌ای به کلکسیون‌تان وارد کنند؟

یک روز دوستی به خانه ما آمده بود. وقتی خوابیده بودم، بدون اجازه در ویترین را باز کرد. خودروی پرادو از دستش افتاد و از دو ناحیه شکست. آن ماشین همان‌روز در سایت، هزار دلار قیمتش بود. رفیق ما هم هیچ چیز راجع به این موضوع نگفت و از ترسش فرار کرد. بعدها فهمیدم چه اتفاقی افتاده و بعد از آن برای ویترینم دزدگیر گذاشتم. ببین! (صدای دزدگیر از آن طرف خط شنیده می‌شود) حالا اگر قرار باشد مهمانی منزل ما بیاید، از قبل برای‌شان راجع به کلکسیونم توضیح می‌دهم و از شان خواهش می‌کنم یا بچه‌شان را با خودشان نیاورند یا توجیهش کنند که به ویترین نزدیک نشود.

خودتان چه ماشینی سوار می‌شوید؟

پژو ۲۰۶، یک پراید هاچ‌بک هم دارم که یادگار مادر مرحومم است.

چه عجیب که ماشین‌تان خارجی و خفن نیست!

هزینه نگهداری ماشین‌های خوب، بالاست. نمی‌شود یکی بخری و بگذاری‌اش گوشه پارکینگ.

حالا اگر قرار باشد یکی بخرید و گوشه پارکینگ نگذارید، چه مدلی را ترجیح می‌دهید؟

من طرفدار خودروهای ژاپنی هستم، چون قیمت‌شان مناسب است و استهلاک کمتری هم دارند. البته هیچ فردی از بنز و پورشه بدش نمی‌آید ولی خب آدم باید به جیبش نگاه کند.

موافق هستید کمی هم درباره فوتبال گپ بزنیم؟ در مصاحبه‌های قبلی‌تان گفته‌اید که از فوتبال دلخورید.

بله، به این دلیل که باشگاه پرسپولیس پول من را بابت پنج سال زحمتی که در آن تیم کشیدم، نداد. علاوه بر این، مالیات پولِ نداده را هم از من گرفتند. مادرم که فوت شده بود، هنگام انجام کارهای انحصار وراثت، از طریق وکیل متوجه شدیم که اداره مالیات جلوی کار را گرفته است. گفتند تا مالیات ندهی، کار انجام نمی‌شود. پرسیدم مالیات چی، جواب دادند طبق این قرارداد شما فلان مبلغ از باشگاه پرسپولیس گرفته‌ای در حالی که آن مبلغ صرفا روی کاغذ بود و من دریافتی نداشتم. از این نامردی دلخورم و کسانی را که حقم را خوردند، نمی‌بخشم.

همین دلخوری باعث شد فوتبال را کلا کنار بگذارید و سمت مربیگری نروید؟

شرایط مافیایی فوتبال طوری است که امثال ما را راه نمی‌دهند. از نسل ما تعداد خیلی کمی الان مشهورند. البته بهم پیشنهاد کار دادند ولی قبول نکردم چون فضای سالمی وجود ندارد. چند سال پیش برای تیم‌های پایه ما را دعوت به کار کردند و وقتی راجع به دستمزد پرسیدیم، جواب دادند ما پولی نداریم بهتان بدهیم. خودتان پول را پیدا کنید! منظورشان این بود ببینید کدام خانواده‌ها توان مالی دارند، از آن‌ها بخواهید تیم را حمایت کنند. قطعا من چنین کاری نمی‌کنم ولی خیلی‌ها قبول کردند، هنوز هم دارند به همین شیوه کار می‌کنند.

الان مشغول چه کاری هستید؟

خب به‌دلیل کرونا، من هم مثل خیلی از مردم، کاری نمی‌توانم بکنم ولی دوست دارم بعد از فراهم شدن شرایط، بروم سمت تیونینگ ماشین. اگر بتوانم جایی را جفت‌وجور کنم، از دوستان متخصصم کمک می‌گیرم و سروکارم بیشتر با ماشین خواهد بود.

شما سال‌ها پیش تصادف خیلی سختی داشتید. چطور علاقه‌تان به ماشین تحت تأثیر آن تجربه قرار نگرفته است؟

در آن تصادف، من پشت فرمان نبودم و سمت شاگرد نشسته بودم. برای همین از ماشین نمی‌ترسم ولی به‌شرط آن که خودم پشت رل باشم. در آن حادثه دو نفر فوت کردند و من و برادرم زنده ماندیم. تجربه خیلی تلخی بود و گرچه از رانندگی کردن هراس ندارم ولی تبعات روحی‌اش همچنان با من است و هنوز نتوانسته‌ام درمانش کنم. در جاده وقتی ماشین از روبه‌رو می‌آید، طوری می‌ترسم که اگر کسی در ماشین باشد، از واکنش‌های شدید و عجیبم وحشت می‌کند. حتی وقتی در خانه نشسته‌ام، اگر صدای ترمز ماشین را از بیرون بشنوم، یک متر می‌پرم هوا و تپش قلب می‌گیرم.

به‌علاوه از لحاظ حرفه‌ای هم آسیب جدی به شما وارد شد.

بله، استخوان ران پایم شکست و حدود یک سال و نیم طول کشید تا دوباره برگردم به فوتبال حرفه‌ای. تحمل آن دردها و با عصا راه رفتن‌ها و ترمیم عضله‌هایی که سوخته بود، اصلا کار راحتی نبود. دوران بسیار سختی را گذراندم ولی خب سختی برای همه هست. مهم این است که بتوانی دوباره از جا بلند شوی و ادامه بدهی.

چطور توانستید از آن دوران عبور کنید و به فوتبال برگردید؟

معتقد بودم فوتبال به من بدهکار است. با این که خیلی‌ها می‌گفتند بی‌خیال شو ولی لازم بود حقم را بگیرم.

حق‌تان را گرفتید؟

از لحاظ مالی که نه، ولی جواب خیلی‌ها را دادم که می‌گفتند دیگر نمی‌توانی بازی کنی. با باشگاه پیکان دوباره شروع کردم و تا ۴ سال بعد از آن هم بازی کردم.

با این که زمان زیادی از دوران بازیگری شما گذشته، هنوز در صفحه اینستاگرام‌تان طرفدارها برای شما پیام‌های مهرآمیز می‌گذارند.

لطف مردم است و یادگار خاطراتی که از سال‌ها پیش در ذهن‌شان مانده است، به‌ویژه پشتک‌واروهای بعد از گل. وقتی می‌روم خرید، اگر مغازه‌دارها من را بشناسند، اولین سوال‌شان این است که هنوز هم می‌توانی حرکات نمایشی انجام بدهی. خب البته که نه! دیگر سن‌وسالی ازمن گذشته است.

وقتی می‌روم خرید، اگر مغازه‌دارها من را بشناسند، اولین سوال‌شان این است که هنوز هم می‌توانی پشتک‌واروهای معروف بعد از گلت را بزنی؟ می‌گویم خب البته که نه! دیگر سن‌وسالی ازمن گذشته است.

شما در روزهای گذشته دو تا از رفیقان‌تان، علی انصاریان و مهرداد میناوند را از دست دادید. دل‌تان می‌خواهد راجع بهشان حرف بزنید؟
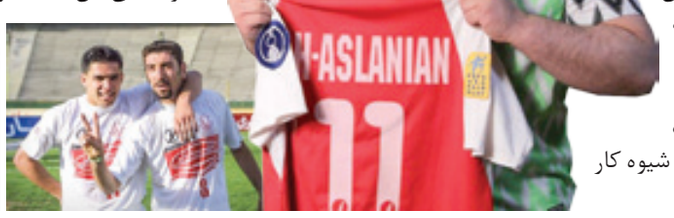
هر دو عزیز اهل شوخی بودند و همه خاطراتی که از شان به جا مانده، باعث خنده و خوشحالی است. فقط می‌توانم بگویم متأسفم. از همه مردم تقاضا دارم که مراعات کنند. امیدوارم مسئولان هم طوری خرید و اکسن را مدیریت کنند که روزی ۵۰۰ نفر از هموطنان‌مان را که همگی عزیز خانواده‌های‌شان هستند، از دست ندهیم.